

(طرح عمومی)

بخش اول: دیدگاههای عمومی:

خطوط کلی تحلیل مارکسیستی از شیوه تولید سرمایه داری، مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی، تکامل تاریخی سرمایه داری و تأثیر آن بر شرائط کار و زیست و استثمار و بیحقوقی طبقه کارگر جهانی، سرمایه داری معاصر و توضیح مفهوم انحصاری شدن، سیادت سرمایه مالی، صدور سرمایه، تقسیم کار جهانی سرمایه داری، بخشهای مختلف سرمایه جهانی، تغییرات مربوط به کار مولد و غیرمولد و یکپارچگی طبقه کارگر بین المللی، درونمایه متناقض سرمایه و بحران پذیری گریزناپذیر سرمایه داری، سرمایه و قدرت سیاسی و مفهوم دولت بورژوازی در دوران فعلی، روایت روشن ما از سوسیالیسم و پروسه محو کار مزدوری، تبیین ما از مدنیت و سازمان کار سوسیالیستی، انقلاب سوسیالیستی و دولت شورائی کارگری در دوران گذار، نقد ما بر کمونیسم روسی و همه اشکال سوسیالیسم بورژوازی، موقعیت کنونی جنبش کارگری بین المللی، نقد کمونیستی جنبش رفرمیستی و اتحادیه ای، ظرف سازمانیابی توده ای جنبش سوسیالیستی کارگران، حزب و شوراها و...

بخش دوم:

تولید و بازتولید سرمایه در جامعه معین

هدف از تهیه این بخش پیگیری دو هدف اساسی زیر است. اولاً. آگاه ساختن طبقه کارگر به واقعیت جاری جامعه سرمایه داری معین. ارائه تصویری عینی از رابطه میان کار و سرمایه، اینکه کارگران چه تولید کرده اند، به چه میزان تولید نموده اند. اینکه تمامی این تولیدات بعلاوه کلیه فعالیتهای اجتماعی انجام شده فقط در جهت تولید سود و پاسخ به نیازهای خودکستری سرمایه بوده است. آگاه کردن طبقه کارگر به استثمار وسیع خویش توسط سرمایه. آشنا ساختن کارگران به ریشه های واقعی فقر و فلاکت، سیه روزی و بی خانمانی، فساد و تباهی موجود در جهان سرمایه داری و... موضوعاتی که تبیین عینی و زنده آنها شرط لازم پرورش ذهنیت سوسیالیستی طبقه کارگر و تجهیز همه سویه این طبقه برای پیکار کمونیستی علیه تمامیت سرمایه داری است. ثانیاً. آشنایی طبقه کارگر با بدیل سوسیالیستی عینیت موجود، آماده ساختن فکری و فرهنگی کارگران برای مواجهه با این

پرسش که اگر همین امروز پرولتاریا بورژوازی را از اریکه قدرت به زیر کشد چه چیز را جایگزین عینیت موجود کاپیتالیستی خواهد کرد چگونه سامان اقتصادی و سازمان کار سوسیالیستی خود را مستقر خواهد نمود. خطوط کلی مطالب این بخش بطور نمونه عبارت خواهد بود از:

۱. محصول اجتماعی کار سالیانه در شرائط موجود: تولید مواد غذایی، پوشاک، کفش و فرش، انواع معادن و ذخائر زیرزمینی، مواد شیمیایی، نفت، گاز، پتروشیمی و پلاستیک، صنایع جنگلی، سنگ و سیمان. و اسفالت خیابانها، صید ماهی، ماشین الات صنعتی. وسائل نقلیه موتوری، اتومبیل، هواپیما، راه آهن، کشتی، فراورده ها و وسائل مختلف الکترونیکی، مسکن و شهرسازی، آب و برق و گاز و انواع انرژی، تولید ابزار و آلات و ادوات ماشینی، جنگ افزار و صنایع نظامی، راه، بنادر، فرودگاهها، راه آهن و مترو، مهد کودکها، مدارس ابتدایی و متوسطه. دانشگاهها، بیمارستانها و مراکز درمانی و آزمایشگاهی، پارک ها، اماکن تفریح، خانه های سالمندان و مراکز خدماتی، سدها و شبکه های آبیاری مزارع، کتابخانه ها و مؤسسات پرورشی و ورزشی، بهداشت و سالم سازی محیط زیست، پست و مخابرات و شبکه های مختلف ارتباطی، سایر تولیدات

۲. هزینه بخش گردشی و استهلاك سرمایه ثابت شامل:

بهای استهلاك ماشین آلات و ابزار تولید، هزینه مربوط به مواد خام و وسائل کمکی، بهای مصرف انرژی، حمل و نقل، ساختمان، بهای محصولات تولید شده در طول سال

۳. وجوه حاصل از فروش تولیدات گوناگون مانند:

مواد غذایی. فراورده های معدنی. محصولات کشاورزی و دامی. برق و آب. حمل و نقل. پست و مخابرات. راهها و بنادر. گمرکات. نفت، گاز. پارچه و پوشاک. مسکن و ساختمان، فراورده های چوبی و جنگلی. شیلات و همه محصولات تولیدی دیگر، در آمد ناشی از سرویس های اجتماعی مانند مدارس و بیمارستانها و...

۴. سرمایه تجاری در بخشهای خصوصی و دولتی

میزان خرید و فروش سالانه فروشگاهها، شرکتهای تجاری کوچک و بزرگ، رستورانها و مراکز مشابه در تمامی عرصه های مبادله و توزیع بطور مثال خرید و فروش مواد غذایی، پوشاک و کفش، دارو، لوازم خانگی، ابزار و آلات ساختمانی، محصولات صنعتی، فرش، فراورده های جنگلی و چوب و کاغذ و الیاف، وسائل نقلیه موتوری. ماشین آلات و....

۵. درآمد سرویس های خصوصی و دولتی

عایدات ناشی از سرویس های درمانی و بهداشتی، مؤسسات آموزشی، حمل و نقل، مراکز نگهداری از کودکان، پارکها و اماکن تفریحی، راهها و بنادر، تأسیسات ورزشی، تعمیرگاهها، سرویسهای امدادی، عوارض گمرکی، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم و

۶. بهای سالانه بازتولید نیروی کار

مجموع دستمزد کارگران صنعتی و واحدهای تجاری، بانکها و مؤسسات مالی، حقوق کارگران و کارکنان بخشهای مختلف

آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، دستمزد کارگران ساختمان، کشاورزی و دامداری، حقوق کارگران سایر بخشهای تولیدی یا غیرتولیدی،

۷. عملکرد سرمایه بانکی و مالی

بهره حاصل از وامهای صنعتی و تجاری، سود سرمایه گذاریهای مستقیم صنعتی و تجاری، سود ناشی از فروش اوراق قرضه و سهام شرکتهای، سایر ارقام سود ..

۸. سود سالانه کل سرمایه اجتماعی

سود سرمایه صنعتی در مقیاس کل جامعه، سود سرمایه تجاری در حوزه عملکرد سرمایه اجتماعی، بهره زمین، اجاره و اشکال مختلف رانت، سود سرمایه های بانکی و مالی، سود ناشی از سرمایه گذاری در بخشهای کشاورزی، ساختمان و.....

۹. اضافه ارزش تولید شده در سال توسط طبقه کارگر

این محاسبه بر پایه تعیین تمامی ارقام مربوط به سرمایه گذاریهای سالانه خصوصی و دولتی در تمامی رشته های مختلف تولید و خدمات، تعیین همه ارقام مربوط به استهلاك سرمایه استوار، بخش گردش سرمایه ثابت و کلیه عناصر دیگر تشکیل دهنده سرمایه ثابت از یکسو و دستمزد پرداخت شده به تمامی کارگران بخشهای تولید و خدمات از سوی دیگر انجام می گیرد.

۱۰. کار لازم و اضافی در محصول اجتماعی موجود

محاسبه کلیه ساعات کاری که برای تولید محصولات سالانه در بخشهای مختلف تولید صنعتی، کشاورزی و دامداری و ساختمان و..... صرف شده است، مجموع ساعات کاری که به آموزش، بهداشت، دارو و درمان، نگهداری کودکان، مراقبت از سالمندان و.... اختصاص یافته است. ساعات کار کارگران و کارکنان فروشگاهها، بانکها و شرکتهای تجاری و... زمان کار مصرف شده در سایر بخشهای تولید و خدمات، تعیین میزان کار لازم یعنی بخشی از کل کار که بطور کلی برای بازتولید نیروی کار مصرف گردیده است. محاسبه ساعات کار اضافی یعنی زمان کاری که به تولید اضافه ارزش اختصاص یافته است.

۱۱. بررسی دقیق پروسه توزیع محصول اجتماعی

چه بخشی از کل محصول اجتماعی صرف بازانباشت و خودگستری سرمایه اجتماعی در عرصه های مختلف شده است. سرمایه الحاقی، سرمایه گذاری در راه و ساختمان و بنادر و مخابرات، سهم حداقل معیشتی هر یک از بخشهای مختلف طبقه کارگر از کل محصول اجتماعی تولید شده در طول سال. شرایط زیست توده های کارگر، مسکن و پوشاک کارگران، آموزش و سواد آموزی خانواده های کارگری. بهداشت و دارو و درمان و کارگران، میزان بهره گیری کارگران از امکانات رفاهی موجود در جامعه. امکانات تفریحی و تمدید قوای روحی و جسمی کارگران. بررسی تناسب میان دستمزدها و مایحتاج واقعی زیست مادی و اجتماعی کارگران. میزان درآمد قشر بالایی طبقه کارگر در جامعه، درآمد مدیران، متخصصان، مشاوران، کارشناسان، تکنوکراتها و کارمندان عالی رتبه بورژوازی، سهم سایر اقشار و گروههای مختلف اجتماعی از کل محصول سالانه، بودجه آموزش و بهداشت و دارو و درمان. نگهداری کودکان، مراقبت از پیران و سالمندان و سایر خدمات اجتماعی و رفاهی در طول سال، هزینه ماشین دولتی، بودجه ساز و برگ نظامی، مخارج ارتش و پلیس و سازمانهای انتظامی، هزینه محاکم قضایی،

زندانها، شکنجه گاهها و... هزینه های اداری و دیوانسالاری دولتی

بخش سوم

نقد سوسیالیستی مشخص از عینیت کاپیتالیستی جامعه معین

این بخش ادامه منطقی بخش پیشین است. در آنجا نشان دادن واقعیت موجود هدف بود و در اینجا نقد سوسیالیستی عینیت سرمایه داری. شیوه تولید کاپیتالیستی و جامعه مبتنی بر آن باید در همه وجوه و در تمامی کارکردها و رویکردهایش مورد نقد و تعرض قرار گیرد، این کار باید با ملاک سوسیالیسم و با دید پرولتاریای سوسیالیست صورت پذیرد. هدف اساسی در اینجا دست رد کوبیدن بر سینه هر نقد دموکراتیک و غیر کمونیستی از جامعه سرمایه داری و تسلیح فکری و ایدئولوژیک پرولتاریا برای گسست همه سویه از تمامی راه حلهای بورژوازی است. در اینجا است که طبقه کارگر کیفرخواست کمونیستی خود علیه رابطه کار مزدوری را با بیرون کشیدن پرونده سراسر جنایت سرمایه در تمامی عرصه های اقتصاد و سیاست و هر چه که مربوط به زندگی انسان است تکمیل میکند و بر پایه آن خواستار محو تاریخی و بنیادی این نظام ضد انسانی میگردد. رئوس عام و نمونه وار مطالب این قسمت را می توان به شرح زیر فرموله نمود.

۱. تشریح آماری سرنوشت محصول کار سالانه کارگران

بیان گویا و ریاضی این واقعیت که کارگران چه تولید کرده اند و حاصل تولیدات یا فرآورده های کار و فعالیت های خدماتی، رفاهی آنان به چه سرنوشتی دچار شده است. چگونه بخش اصلی و غالب محصول کارشان به سود و باز هم سود و سود بیشتر سرمایه ها و به سرمایه الحاقی سرمایه داران تبدیل شده و سهم زندگانی آنان و فرزندانشان از تمامی آنچه که خود تولید کرده اند چه بوده است؟

۲. تبیین آماری مفهوم کار در نظام سرمایه داری

ارقام و شواهد مربوط به این واقعیت که محصولات تولید شده یا فعالیتهای خدماتی انجام یافته با هدف پاسخ به نیازهای معیشتی و زیست اجتماعی توده های کارگر و شهروند جامعه صورت پذیرفته است. اینکه سود و سود هر چه افزونتر یگانه هدف تولید بوده است. اینکه بخش عظیمی از تولیدات یا امور به اصطلاح خدماتی نه فقط هیچ ارتباطی با احتیاجات زیست مادی و معنوی شهروندان نداشته بلکه دقیقاً نقش تباه کننده و ویران ساز در زندگی شهروندان ایفاء کرده است. تبیین کنکرت این مطلب که بخش اخیر تولیدات و سرویس های یاد شده در عین حال نیاز جبری بازتولید و خودگستری سرمایه اجتماعی و شرط لازم افزایش سود سرمایه داران بوده است.

۳. بیان ریاضی تقسیم کار جامعه کاپیتالیستی

آمار و ارقام ناظر بر این حقیقت که از کل کار انجام یافته، تنها بخش ناچیزی به تولید احتیاجات معیشتی، یا خدمات و رفاه عمومی شهروندان اختصاص داشته و مابقی جمعیت در اشکال گوناگون به مثابه نیروی محافظ نظم سیاسی سرمایه، نیروهای

سرکوب و اعمال قهر ارتجاعی سرمایه، مجریان اداری نظم تولید و عوامل برنامه ریزی سرمایه، مأموران و عاملان تشدید استثمار طبقه کارگر برای سرمایه و خلاصه کلام در هیأت خدم و حشم سرمایه بر کارگران تحمیل گردیده اند.

۴. توضیح ریاضی پروسه انفصال انسان از محصول کار

میزان افزایش سالانه بارآوری کار اجتماعی. حجبی از اضافه ارزش ناشی از استثمار کارگران که برای توسعه تکنولوژی یا اختراعات، اکتشافات و پژوهشهای علمی ناظر بر افزایش بارآوری کار پیش ریز شده است. بررسی مکان این بازتابش در تشدید همه سویه استثمار طبقه کارگر و بیکار سازی کارگران توسط سرمایه، روند عینی تبدیل محصول کار کارگران به سرمایه و تبدیل این محصول به قدرت خداگونه مسلط بر کارگران .

۵. نقش روزمره دولت در پروسه بازتولید سرمایه

تبیین عینی و زنده پیوند ارگانیک میان رابطه خرید و فروش نیروی کار با وجود دولت بالای سر کارگران. فونکسیون روزمره دولت فعلی در تأمین نظم تولیدی سرمایه اجتماعی. مکان دولت بعنوان سرمایه دار. کارکرد دولت حاضر در اعمال قهر سرمایه. دولت در هیأت یک قرحه انکل و تاراجگر محصول کار طبقه کارگر. دولت به مثابه مجری سیاست ها و فراهمگر تمامی شرائط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی لازم برای ارزش افزایی سرمایه اجتماعی، دولت مظهر از خودبیگانگی انسان، دولت مبین وجود طبقات و استثمار و فرودستی و بیحقوقی طبقه حکومت شونده در جامعه.

۶. سرمایه، منشأ کلیه اشکال استثمار و سیه روزی موجود

گزارش آماری موقعیت کار و زیست کارگران. محرومیتها، فقر، بی مسکنی. آوارگی و بی حقوقی دهشتبار طبقه کارگر. ریشه تمامی مشقات و نکبت و ادبار زندگی بشر در نظام کاپیتالیستی، مقایسه زندگی کارگران بعنوان خالقین واقعی تمامی ثروت های اجتماعی با افسار مختلف بورژوازی به مثابه نیروی استثمارگر و انکل.

۷. سرمایه و آموزش و پرورش

رابطه میان سیستم آموزشی موجود با الزامات خودگستری و بازتولید سرمایه. تبیین آماری و گویای این واقعیت که تربیت و تجهیز نیروی کار تنها هدف واقعی آموزش و پرورش بورژوازی است. سرنوشت طبقه کارگر و فرزندان این طبقه در سیطره برنامه ریزی آموزشی سالانه سرمایه داری. مفهوم تخصص و پژوهش در فرهنگ کاپیتالیستی و چگونگی بسط اجتماعی این مفهوم در کارنامه یکساله سرمایه. سرنوشت دانشهای بشری در چنگال قانون ارزش و سود اندوزی سرمایه و نمود عینی این سرنوشت در طرحها و کارکردهای جاری سرمایه.

۸. سرمایه و بهداشت و درمان

بهداشت و درمان کارگران در عرف بورژوازی و معیارهای سرمایه. بیان ریاضی اینکه سرمایه با سلامتی کارگران چه کرده است. توضیح علمی فرسودگیهای جسمی و روحی کارگران در سیطره شرائط کار موجود. امراض ناشی از شرائط کار و آلودگیهای محیط زیست. تلفات جانی و آسیب های بدنی سالانه کارگران. مکان و ارزش جان انسانها در کل برنامه ریزیها یا طرحهای علمی سرمایه. مرگ و میر سالانه شهروندان به مثابه برگ سیاهی از کارنامه سیاه سرمایه داری

۹. سرمایه و مسکن کارگران

بی مسکنی و وضعیت دشوار سکونت کارگران برگی از کارنامه سراسر توحش و جنایت سرمایه. عوارض دردبار روحی و جسمی اسکان موجود کارگران به مثابه گوشه ای از جریان روتین اعمال سبعیت سرمایه. تصویر حقارتها و زبونی های فرهنگی ناشی از بی مسکنی و سکونت رقت بار که سرمایه بر کارگران و توده های فرودست تحمیل می نماید.

۱۰. ریشه های بیحقوقی زنان در شیوه تولید کاپیتالیستی

سرمایه و نابرابری جنسی. کالا بودن نیروی کار و جنس دوم بودن زنان در سیستم کاپیتالیستی. سرمایه و قربانیان سالیانه فحشاء. بررسی مشخص کارنامه جنایت و تبعیض جنسی سرمایه علیه زنان در پروسه بازتولید یکساله سرمایه اجتماعی. سرمایه و بهره گیری از تمامی نهادهای ضدانسانی کهنه برای تشدید استثمار زنان

۱۱. کارخانگی نوعی کار اضافی برای سرمایه

محاسبه کلیه ساعات کار خانگی کارگران زن و مرد. ساعات کاری که صرف پرورش و نگهداری از کودکان میگردد. مکان کار خانگی در بازتولید نیروی کار طبقه کارگر. انجام رایگان این حجم انبوه کار در مقیاس جامعه برای سرمایه اجتماعی. محاسبه آماری میزان کار اضافی و سودی که از این رهگذر عاید طبقه سرمایه دار می شود.

۱۲. سرمایه و خانواده

خانواده موجود نهاد مبتنی بر مالکیت خصوصی. نقش خانواده در بازتولید رایگان نیروی کار طبقه کارگر برای سرمایه. مکان خانواده فعلی در پرورش رایگان ارتش ذخیره کار بورژوازی. خانواده نهاد پوشش بیکاری در نظام کاپیتالیستی. خانواده ابزار تحمیل معیشت بیکاران بر کارگران شاغل به نفع سود سرمایه. خانواده پوششی برای سرشکن نمودن بار حمایت از پیران و معلولان بر کرده طبقه کارگر به سود سرمایه داران. خانواده مرکز تحمیل زندگی برده وار و استثمار مضاعف بر زنان. خانواده محل قربانی عشق و عواطف و ارزشهای انسانی در خاکپای ملاکها و معیارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از نظام سرمایه داری و مالکیت خصوصی

۱۳. سرمایه فرهنگ و اخلاق

پروسه گسترش اجتماعی سرمایه به فرهنگ، اخلاق، معیارهای حقوقی و ارزشهای اجتماعی. درونمایه ضدانسانی و وحشیگرانه مدنیت کاپیتالیستی. فرهنگ و سنن و اخلاقیات بورژوازی نیروهای نصرت معنوی رابطه تولید سود برای سرمایه. اهمیت نقد پیکیر کمونیستی از فرهنگ و اخلاق سرمایه داری. مکان این نقد در پروسه آگاه سازی و تجهیز ایدئولوژیک، سیاسی پرولتاریا.

۱۴. سرمایه و خودبیگانگی انسان عصر.

پیوند درونی میان جدایی انسان از محصول کار خویش از یکسو و الیناسیون وی از سوی دیگر. توضیح مستمر و فراگیر واقعیت از خودبیگانگی انسانها در جامعه سرمایه داری. تنهایی روانی و گسست پیوندهای انسانی در جامعه کاپیتالیستی به مثابه محصول گریزناپذیر شیوه تولید سرمایه داری. چگونگی بازتولید مداوم این گسست و انفرادمنشی بر متن پروسه بازتولید اجتماعی سرمایه. وجود دولت و نهادهای اجتماعی ماوراء انسانها به مثابه تجسم عینی مسخ و خودبیگانگی بشر. دموکراسی و خودبیگانگی انسان. دیکتاتوری و مسخ همه سویره انسانها. سوسیالیسم تنها راه پایان بخشی به مسخ و

خودبیگانگی بشر.

۱۵. سرمایه و نابودسازی محیط زیست.

سرمایه، جبر تولید افراطی و آلودگی گریز ناپذیر محیط زیست. تبعیت محیط زیست و شرائط طبیعی و اقلیمی زندگی از رابطه سرمایه. عناصر مختلف زیست محیطی به مثابه ملزومات حرکت سرمایه. نظام سرمایه داری منشأ و سرچشمه پیدایش دهشتبارترین بیمارها. تهدید جدی و سرتاسری جان انسانها توسط آلودگیهای محیطی ناشی از حرکت سرمایه.

۱۶. سرمایه، مذهب و نهادهای کهنه تاریخی

همگنی و خویشاوندی بنیادین سرمایه با مذهب. بورژوازی و نقد مذهب. باورها و خرافه های مذهبی بخشی از روبنای فرهنگی لازم برای جاودانه کردن نظام سرمایه داری. سرمایه و خودبیگانگی مذهبی انسان. سرمایه و توسل به تمامی نهادهای کهنه برای تداوم و تشدید و تعمیق استثمار نیروی کار

۱۷. سرمایه و طرح مهندسی افکار در سطح جهانی

هزینه سرسام آور این طرح، نقش جنایتکارانه آن در منحرف ساختن مبارزه طبقاتی، دیکته کردن تمامی مقتضیات بازار سرمایه بر افکار عمومی، تحمیل تمامی ارزشها و معیارهای اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و نوع تمایلات زیستی متناظر بر الزامات بازتولید سرمایه بر ذهن و اندیشه و احساس انسانها.

بخش چهارم

انقلاب کارگری و سازمان کار سوسیالیستی

این قسمت اصلی ترین بخش برنامه کمونیستی و در واقع داربست اساسی برنامه حزب کمونیست در مقابل برنامه بورژوازی است. سازمان کار سوسیالیستی ظرف حضور متشکل و دخالت مستقیم و نافذ همه آحاد شهروندان در برنامه ریزی تولید و اداره کلیه امور جامعه است. در برنامه ریزی سوسیالیستی این تک تک شهروندان جامعه اند که همراه با حضور برابر در تولید نعمت های مادی و رفاه و خدمات اجتماعی، بطور برابر و متحد پیرامون همه مسائل مربوط به تولید یا فعالیتهای اجتماعی تصمیم می گیرند. بر همین پایه برنامه ریزی سازمان کار و مدنیت سوسیالیستی اساساً کار یک حزب سیاسی کارگری، دولت موقت کارگری یا هیچ نهاد سیاسی منتخب طبقه کارگر نیست بلکه در کفایت توده های هر چه وسیعتر کارگرانی است که در شوراهای خویش متشکل شده اند. حزب کمونیست با درک عمیق این واقعیت، بدون اینکه خود را آلترناتیو سازمان کار سوسیالیستی تصور کند، به مثابه پرچمدار انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا برنامه برپایی و استقرار عینی سازمان کار سوسیالیستی را در برابر برنامه طبقه بورژوازی پیش روی طبقه کارگر قرار می دهد. پرولتاریای کمونیست با طرح این برنامه،

مبارزه خود با بورژوازی را بر محور اساسی پیکار سرنوشت ساز طبقاتی و تاریخی خویش علیه سرمایه استوار می سازد. در مقابل طبقه سرمایه دار که با طرح برنامه اش خواستار بازتولید و ارزش افزایی و خودگستری سرمایه اجتماعی است، پرولتاریای کمونیست برنامه خود را برای محو کار مزدوری و استقرار مدنیت سوسیالیستی به میدان میکشد. پرولتاریا با طرح این برنامه به بورژوازی اخطار می کند که جامعه و تمامی هست و نیست آن را متعلق به خود می داند و از هم اکنون آماده است تا بورژوازی را سرنگون سازد و متعاقب آن اقتصاد و کلیه امور اجتماعی را به شیوه سوسیالیستی برنامه ریزی نماید. یک نکته بسیار اساسی و مهم در اینجا در نظر گرفتن تمایزات واقعی و غیر قابل تردید میان سطح پیشرفت صنعتی و تکامل اجتماعی سرمایه داری در هر جامعه جداگانه و تأثیر اجتناب ناپذیر این تفاوتها در برنامه ریزی سوسیالیستی اقتصاد این جوامع است. روشن تر بگوییم، هم افغانستان یک جامعه کاپیتالیستی است، هم ایران و شیلی، هم آلبانی و هم سوئد و آلمان و امریکا یا انگلیس. حزب کمونیست همه این جوامع باید با پرچم سوسیالیسم، برای تشکیل صف مستقل سوسیالیستی پرولتاریا، برای تجهیز و تدارک انقلاب سوسیالیستی و جایگزینی سرمایه داری با سازمان کار سوسیالیستی مبارزه کند. در عقب مانده ترین این جوامع نیز مبارزه علیه هر نوع بی حقوقی اجتماعی نمی تواند از مبارزه برای سوسیالیسم و محو رابطه سرمایه قابل تفکیک باشد. با وجود همه اینها در طرح برنامه مشخص سوسیالیستی برای هر یک از این جوامع فاکتورهایی از قبیل چگونگی آمادگی طبقه کارگر برای طی پروسه زوال دولت، استانداردها و معیارهای قابل تحقق معیشت یا رفاه اجتماعی در برنامه سوسیالیستی، سطح ممکن تحصیلات اجباری، میانگین کار لازم سوسیالیستی، امکانات موجود همگانی کردن تخصص ها یا اجتماعی نمودن هر چه بیشتر شکل خصوصی معیشت و بطور مؤثر مداخله می کنند. نکات زیر تصویر ساده ای از شمای عمومی این بخش برنامه را بطور عام و جدا از ویژگیهای معین منعکس می کند.

۱. درهم شکستن کامل ماشین دولتی.

برچیدن بساط دولت ماوراء جامعه، محو ارتش و پلیس و سازمانهای نظامی و انتظامی، محو هر نوع رابطه استخدام و انتصاب در واگذاری مسؤلیتهای سیاسی یا خدماتی و اجتماعی، نابودی کامل پارلمان و پارلمانتاریسم، دستگاههای اجرایی، سیستم قضایی و سازمانهای حقوقی متعارف بالای سر شهروندان، انحلال کامل نظام اداری، محو تمامی بنیانهایی که مبین جدایی فرد از تعیین سرنوشت کار و معیشت و حقوق اجتماعی خویش است. تبدیل کلیه کارکنان و اعضاء سیستم بوروکراسی و دستگاههای نظامی و انتظامی سابق به شهروندان عادی عضو شوراهای سوسیالیستی

۲. استقرار دولت موقت کارگری.

تبیین پیوند درونی میان ماهیت دولت موقت کارگری و پروسه زوال این دولت، شورایی بودن دولت کارگری و تعارض ماهوی آن با هر نوع دولت متعارف بالای سر شهروندان، حضور مستقیم و مؤثر هر چه بیشتر آحاد کارگران در شوراهای خودجوش ناشی از انقلاب کارگری، تلاش همه سویه دولت موقت برای توسعه شوراهای پایه و بخش یا شوراهای کار و زیست به شوراهای متشکل از کلیه آحاد طبقه کارگر و همه شهروندان پذیرای سوسیالیسم و سازمان کار سوسیالیستی، نقش دولت موقت در توسعه شوراهای کمون و تبدیل این شوراها به ظرف متناسب جامعه سالاری اشتراکی شهروندان، مکان کنگره سراسری شوراها و رابطه آن با شوراهای پایه و کمون. حق رأی سوسیالیستی و چگونگی تحقق آن در شرایط وجود دولت

موقت کارگری. پروسه تحول سوسیالیستی اقتصاد در دولت موقت کارگری، آموزش، تجهیز و آماده سازی پرولتاریا برای پیشبرد پروسه زوال دولت و استقرار سازمان سراسری دخالت آحاد شهروندان، مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا در دولت موقت کارگری. درونمایه مشترک کار این دیکتاتوری با محور هر نوع دیکتاتوری در جامعه، دولت موقت شورانی توده های کارگر نقطه پایانی بر وجود هر نوع دولت

۳. محور اجتماعی بورژوازی و برچیدن کار مزدوری

سلب هر نوع مالکیت خصوصی یا دولتی بر ابزار تولید و مبادله، سرویس های مختلف خدماتی و رفاهی، اعلام کلیه اتباع جامعه به مثابه شهروندان متساوی الحقوق عضو سازمان کار سوسیالیستی، اجباری نمودن آموزش و تخصص و تحقیق برای تمامی شهروندان زیر ۲۴ سال و اعلام تحصیل و پژوهش به مثابه کار سوسیالیستی افراد در هر سن و هر زمانی که خود بخواهند، معافیت از اشتغال همراه با حق اجتماعی برابر با همه شهروندان در مورد کلیه افرادی که به علل مختلف از انجام کار سوسیالیستی معذورند. برنامه ریزی کمونیستی در جهت ایجاد شرایط لازم برای محور هر نوع اجبار به کار در جامعه، محاسبه جمعیت شهروندان آماده اشتغال در بخشهای مختلف تولید و خدمات پس از تفکیک گروههای معذور از کار، ارزیابی آموزشها، تجارب و تواناییهای بالفعل شهروندان آماده کار برای مشارکت عملی آنان در پیشبرد پروسه تولیدات مادی و خدمات و رفاه اجتماعی، تنظیم طرح مناسب برای اشتغال آزاد و داوطلبانه این جمعیت در رشته های گوناگون تولید و فعالیتهای اجتماعی.

۴. حضور نافذ و برابر آحاد شهروندان در سازمان کار سوسیالیستی و برنامه ریزی

اجتماعی

وحدت میان کار و برنامه ریزی کار در شوراهای سوسیالیستی، حضور تمامی آحاد جامعه در شوراهای پایه، دخالت مؤثر و تعیین کننده همه شهروندان عضو شوراهای پایه در برنامه ریزی محلی و سراسری تولید از طریق اعزام نمایندگان منتخب و هر لحظه قابل عزل خویش، تصویر شوراها بمثابة ظرف وحدت کار و تصمیم گیری یا برنامه ریزی و اجراء، ظرف پایان بخشیدن به جدایی انسان از محصول کار خویش، ظرف برپایی جامعه بدون دولت و طبقات و کار مزدوری

۵. تعریف کار لازم سوسیالیستی در موقعیت موجود

تبیین مادی و آماری سطح ممکن معیشت و خدمات و رفاه سوسیالیستی متناظر با رشد تکنیک و میزان تولید اجتماعی فی الحال مقدور، اینکه در همین وضعیت جاری روز و متناسب با داده های آماری ناظر بر میزان کار و تولید اجتماعی سالانه و با اجرای برنامه ریزی سوسیالیستی اقتصاد، کدام استانداردها و چه سطحی از معیشت و خدمات و رفاه امکان پذیر است. این معیارها و استانداردها در هر يك از عرصه های مختلف زیست شهروندان چگونه تبیین و تصویر میشوند. به بیان دیگر سوسیالیسم در همین شرایط روز به شهروندان چه خواهد داد و زندگی فردی و اجتماعی آنان را دستخوش چه تغییراتی خواهد کرد؟، برای حصول این سطح از زیست و رفاه انسانی در هر کدام از عرصه های کار و تولید و فعالیتهای خدماتی و... چه تولید خواهد شد و چه مقدار تولید خواهد گردید؟

در جهت رسیدن به این هدف آنی و این سطح از تولید چه نیروی کار و چه نسبتی از نیروی کار موجود باید در هر بخش مشارکت کنند؟، تعطیل و حذف تمامی تولیدات و فعالیتهای اجتماعی و انسانی مغایر با معیشت و مدنیت سوسیالیستی چگونه محقق خواهد گردید و صنایع یا مؤسسات کنونی تولید کننده و ارائه دهنده آنها چه تغییراتی خواهند یافت؟ چه بخشی از کل محصول سالانه کار سوسیالیستی صرف بازتولید تکنولوژی و ابزار کار و و سائل تولید خواهد گردید و کدام قسمت به معیشت، رفاه یا سرویسهای خدماتی شهروندان اختصاص می یابد؟، تعریف کار سوسیالیستی بر پایه تمامی این محاسبات یا به بیان دیگر تعریف کار به مثابه نوعی فعالیت آزاد انسانی که در سطح کنونی رشد و توسعه تولید اجتماعی پاسخگوی نیازهای واقعی زیست، آموزش، بهداشت، تفریح، رفاه، مسکن، پرورش جسمی و روحی، دفاع اجتماعی، تفریح، بازتولید وسائل و ابزار تولید، تداوم مستمر رشد و توسعه و ارتقاء تمامی امکانات زیستی و رفاهی و بالاخره توسعه دانش ها و اختراعات و کشفیات مورد نیاز شهروندان می باشد.

۶. تعیین میانگین کار سوسیالیستی در شرائط روز

محاسبه جمعیت آماده کار با توجه به اصل داوطلبانه بودن کار اجتماعی از یکسو و انحلال کلیه نهادهای دولتی، نظامی، انتظامی و پلیسی از سوی دیگر، معافیت همه گروههای در حین تحصیل، سالمندان، زنان باردار، معلولان و... از شرکت در کار، ارزیابی از آموزش و تجارب و امکانات اشتغال شهروندان در عرصه های مختلف، محاسبه زمانی تمام کاری که باید در هر رشته تولید یا هر عرصه کاری انجام گیرد، تعیین ضریب شدت، سرعت، سختی کار و میزان فرسایش جسمی و روحی ناشی از آن در هر رشته، استخراج میانگین کار لازم سوسیالیستی بر پایه تمامی داده های فوق از یکسو و اهداف سوسیالیستی تعیین شده برای تولید و انجام خدمات در هر عرصه، اعلام ساعات حضور در شوراها و یا تقبل مسوولیت نگهداری از فرزندان توسط والدین و کلیه امور مشابه به مثابه جزئی از میانگین کار سوسیالیستی

۷. محو داد و ستد و پول در جامعه

تصویر سیستم توزیع سوسیالیستی مایحتاج عمومی و خدمات و رفاه اجتماعی توسط شوراها به مثابه پایه عینی و اقتصادی غیر ضروری ساختن مبادله و پول در درون جامعه سوسیالیستی، طرح عملی چگونگی دریافت ارزاق عمومی و احتیاجات معیشتی از سوی شهروندان خارج از هر نوع داد و ستد و مناسبات پولی، اعلام میانگین کار داوطلبانه سوسیالیستی به مثابه معیار برخورداری برابر همه شهروندان از مسکن و خوراک و پوشاک، دارو و درمان، آموزش و تفریح و بهداشت و.. و بی نیاز شدن جامعه از پول، مبادله و مناسبات کالایی، استفاده برابر و آزاد تمامی اتباع جامعه سوسیالیستی از همه مراکز آموزشی، بهداشتی، تفریحی، خانه های مسکونی، سیاحت و مسافرتی توریستی، سرویسهای ایاب و ذهاب و... بدون هیچ پرداخت پولی، توضیح شرائط و مبانی مصرف پول در مراودات بین المللی مادام که سرمایه جهانی در بخش های دیگر دنیا به بقای منحوس خود ادامه می دهد.

۸. پروسه اجتماعی کردن هر چه بیشتر زندگی شخصی

طرح تأسیس رستورانها و مراکز تغذیه و تفریح همگانی در هر محله مسکونی بجای آشپزخانه های خصوصی، جایگزینی وسائط نقلیه و آمد و رفت عمومی مکفی و همیشه موجود بجای اتومبیلهای شخصی، تأمین اماکن مسکونی متناسب و مبتنی بر زندگی برابر برای همه شهروندان از طریق شوراها و سازمان کار سوسیالیستی، غیرضروری ساختن کار خانگی از طریق توسعه هرچه افزوتر سرویسهای اجتماعی. ایجاد مهدکودکها به میزان کافی و احاله تمامی امور نگهداری و مراقبت از کودکان به مهد کودکها، معاف ساختن کامل "خانواده" به مثابه خانواده از هر گونه مسؤلیت و تعهد کاری سواى میانگین کار سوسیالیستی، زوال خانواده مبتنی بر مالکیت خصوصی از طریق مکانیسم های اقتصادی و اجتماعی یاد شده از یکسو و انحلال هر چه ممکن شرائط زیست فردی و شخصی انسانها در زیست همگانی و سوسیالیستی. بازسازی کمونیستی مناسبات میان زن و شوهر و فرزندان

۹. ناممکن ساختن هر نوع نابرابری میان زن و مرد.

از میان برداشتن کار خانگی، احاله تمامی وظائف مربوط به پرورش و نگهداری فرزندان به جامعه، فراهم آوردن تمامی امکانات لازم برای رشد آزاد و برابر انسانها، محو کلیه پایه های اقتصادی، ایدئولوژیک، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی نابرابری جنسی در جامعه.

۱۰. محو هر نوع امتیاز مادی ناشی از تخصص

اجباری کردن تحصیلات متوسطه و دانشگاهی برای عموم شهروندان و فراهم ساختن تمامی امکانات لازم برای کسب هر نوع تخصص و مهارت پایه مادی لازم برای محو امتیازات مبتنی بر تحصیل و مدرک و تخصص خواهد بود. هر شهروند قادر به کار و داوطلب مشارکت در پروسه اجتماعی کار در قبال میانگین کار سوسیالیستی اش مستقل از نوع شغل و جنسیت و هر تمایز فردی دیگر به اندازه همگان از معیشت و امکانات و سرویسهای رفاه جامعه برخوردار میگردد. معلم درس می دهد، بنا خانه می سازد و پزشک دارو و درمان می کند. همگی با توجه به ضریب فرسایش جسمی و روحی کارشان میانگین معینی از کار لازم سوسیالیستی را بر عهده دارند. بعلاوه جامعه تمامی شرائط لازم را برای احراز تخصص بنایی توسط معلم، کسب تخصص رانندگی لکوموتیو بوسیله جراح و پزشک شدن لوله کش یا عضو شورای توزیع خواربار و... فراهم می سازد. همه اینها تا پایان تحصیلات دانشگاهی به پیش رفته اند و تمامی آنان از امکانات جامعه برای دستیابی به این مهارتها استفاده نموده اند. با توجه به همه این نکات و فاکتورها قائل شدن هیچ امتیازی برای هیچ تخصصی معنی نخواهد داشت.